

نقش دانش حقوقی در رفاه اجتماعی روستاییان، مطالعه موردی: دهستان میان کوه غربی - شهرستان پلدختر - استان لرستان

مهدی پورطاهری^۱

عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری^۲

مهدی رحمتی^۳

چکیده

در دنیای معاصر، یکی از ابعاد برنامه‌ریزی، تلاش در راستای ارتقای زندگی انسان و بهبود شرایط زیست وی است. به گونه‌ای که بسیاری از موفق‌ترین دولت‌ها، دلیل توفیق برنامه‌های خود را، بهبود زندگی مردم و افزایش سطح رفاه آنها می‌دانند. در مقابل، زمانی برنامه‌های رفاه اجتماعی بهتر به اهداف پیش‌بینی شده می‌رسند که جامعه مورد نظر، از سطح آموزش لازم برخوردار باشد. بنابراین، دانش و آگاهی، سنگ بنای توسعه و رفاه جامعه است. در جامعه ایران، سطح دانش و آگاهی مردم نسبتاً پایین است. این میزان در جامعه روستایی نسبت به جامعه شهری بسیار پایین‌تر است، که عمق چالش آگاهی را در میان این بخش از جامعه نشان می‌دهد. بنابراین، با داشتن سطوح آموزشی پایین، و به دنبال آن، کم‌اطلاعی از حقوق شخصی، شهروندی و اجتماعی، جامعه روستایی دچار سرگردانی شدیدی در تهیه خواسته‌های خود شده است. این امر، به نوبه خود تأثیری معکوس در موفقیت برنامه‌ریزی نهادهای مرتبط با جامعه روستایی دارد. حال، این سوال مطرح می‌شود که: آیا بین دانش حقوقی روستاییان و رفاه اجتماعی آنان رابطه معناداری وجود دارد؟

Email: mahdit@modares.ac.ir.

۱- استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس.

۲- دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس.

۳- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس.

تحقیق حاضر با کمک روش پیمایشی و با استفاده از تحلیل - توصیفی انجام شده است. بر این مبنای با تکمیل ۲۳۰ پرسشنامه در سطح ساکنان روستایی دهستان میان کوه غربی استان لرستان - شهرستان پلدختر، مشخص گردید که رابطه معناداری بین دانش حقوقی و میزان رفاه اجتماعی وجود دارد. در این راستا حقوق فردی و شهروندی بیشترین سهم را بر رفاه اجتماعی به ویژه در میزان رضایت از خدمات و میزان مشارکت روستائیان داشته‌اند.

واژگان کلیدی: دانش حقوقی، رفاه اجتماعی، توسعه روستایی، توسعه پایدار، لرستان.

مقدمه

در دنیای معاصر، بشر با پشت سر گذاشتن دوران تاریک و روشن، به مقطعی رسیده که می‌خواهد آرمان والای خویش را در زندگی مطلوب انسانی، برقرار کند. یعنی، استقرار جامعه‌ای آکنده از خیر، سعادت، عظمت، پیشرفت و برخوردار از رفاه مطلوب از اهداف متعالی جویانه انسان بوده است. در اعصار قدیم، بشر با ناملاپیمات و سختی‌های فراوانی دست به گریبان بود تا بتواند ادامه حیات دهد، اما در دوران معاصر، شرایط زیست وی بسیار بهتر و تغییر کیفی و کمی عمیقی کرده است. به گونه‌ای که عواملی همچون؛ امنیت، ثبات، قانون، حقوق، رفاه و... به صورت نظام‌مند درآمده‌اند. انسان همواره در جستجوی زندگی مطلوب بوده است و در این دوران که دوران طلایی زندگی بشر بشمار می‌رود، در صدد استقرار چنین مدینه فاضله‌ای است. به همین دلیل، دست به تدوین قوانین و مقررات برای اداره نظام‌مند، استقرار در شهرهای بزرگ برای توسعه و افزایش دسترسی به امکانات و تسهیلات بیشتر، تعیین میزان اختیارات و تکالیف افراد جامعه، بهره‌برداری هر چه بهتر و شایسته‌تر از تکنولوژی مدرن برای آسایش و رفاه بیشتر و... زده است. در سال‌های اخیر، برنامه‌های توسعه اقتصادی و عمرانی از این جهت که در نیل به اهداف توسعه‌ای همچون رفاه و بهزیستی انسان‌ها و نیز بالا بردن کیفیت زندگی آنها موفق نشدند، و نیز اینکه عمده تأکید آنها بر شاخص‌های کمی همانند افزایش درآمد ملی و درآمد سرانه بود، مورد نقد و موشکافی قرار گرفتند (عینالی، ۱۳۸۳: ۱۰). ماحصل این اقدامات و برنامه‌ها، بایستی تدوین برنامه‌های

رفاهی متناسب با خواسته‌های افراد جامعه روستایی باشد. خود رفاه نیز متأثر از عوامل متعددی است که می‌توان به نوع برنامه‌ها و سیاست‌های جامعه، شیوه و نظام حکومتی، سطح آگاهی و دانش مردم جامعه نسبت به خود و اجتماع و تکالیف‌شان، میزان جمعیت، و... اشاره کرد. از میان این عوامل، عامل دانش و آگاهی مردم، تأثیر بسزایی در سطح رفاه آنان دارد. این مهم در جامعه روستایی بارزتر از جامعه شهری است، به دیگر معنا، مردم روستا به حقوق و داشته‌ها و توانایی‌های خود کمتر واقف هستند و این کم‌اطلاعی از حقوق خود، عمدتاً از نبود سطح مناسب دانش و آگاهی آنها ناشی می‌شود. به میزانی که فرد نسبت به حقوق شخصی و اجتماعی خود آگاهی بیشتری داشته باشد، به همان میزان در راستای کسب این حقوق تلاش می‌کند. این تلاش به بهبود وضعیت معیشت و رفاه اجتماعی-اقتصادی وی کمک شایان توجهی می‌کند. بنابراین، به دلیل ارتباط محدود بسیاری از روستاها با دنیای خارج، روستاییان از بسیاری پیشرفت‌های روز مطلع نیستند و زندگی خود را متناسب با دوران عقب‌تری نسبت به توان‌های دنیای مدرن می‌بینند و در نتیجه به امکانات و تسهیلات محدود نیز قانع و یا راضی هستند. در این تحقیق به این مسأله پرداخته شده که آیا بین دانش حقوقی و ابعاد آن با رفاه اجتماعی روستاییان رابطه معناداری وجود دارد؟

مبانی نظری

بر اساس اصول توسعه پایدار، یکی از سرمایه‌های مهم زندگی انسانی که باید در حفظ و مراقبت از آن تأکید ویژه شود، همان حقوق افراد انسانی در جامعه است. از سوی دیگر، مفهوم توسعه پایدار، به مثابه تلاش برای رعایت و به رسمیت شناختن حقوق انسان‌ها و مکان‌ها، کرامت انسانی و عدم تبعیض مکانی، گذار از ناآگاهی به آگاهی، از عقل ستیزی به عقل باوری، و از نادانی به دانایی، یادگیری اجتماعی، گفت‌وگو و عمل نهادی مشترک است (فاضل‌نیا، ۱۳۸۳: ۵). یکی از فاکتورهای مهمی که می‌تواند در این راستا راهگشا باشد و موانع بسیاری را از سر راه بردارد، مبحث دانش حقوقی است. دانش حقوقی، بحثی کیفی در تحقیقات علوم جغرافیایی است. برای تعریف دانش حقوقی، ابتدا باید ابعاد و اجزاء آن را بررسی کرد. برخی دانش را با داده، اطلاعات و آگاهی یکی می‌دانند، در حالی که هر کدام تعاریف خاص خودشان را دارند. داده‌ها، یک رشته واقعیت‌های عینی و مجرد در مورد

رویدادها هستند، و اطلاعات را داده‌های پردازش شده که برای گیرنده قابل فهم و درک است و پیش دریافت‌کننده اطلاعات را تشکیل می‌دهد، تعریف می‌کنند. به دنبال آن، دانایی؛ فرایندی است که در ذهن شکل گرفته و سپس باعث ایجاد فهم می‌شود و جنبه کاربردی می‌یابد. در مراحل برتر دانایی، توان تحلیل اطلاعات و ترکیب اندوخته‌های جدید با آنچه که از قبل در ذهن داشته‌ایم را به ما می‌دهد، و در نهایت امر به یادگیرنده قدرت ارزیابی و انتقاد می‌دهد و به تعبیری در گرایش‌ها و رفتار، عامل دانایی، اثرگذار است. در واقع بنیان و اساس هر رفتار، آگاهی و شناخت از کم و کیف آن رفتار است. این مسأله در انطباق کامل با این حکم کلی است که بیان می‌دارد «آگاهی، پیش درآمد عمل توام با اطلاع» است. همین مطلب را می‌توان به صورت مثال چنین مطرح کرد که معمولاً داده‌ها را در پرونده‌های آماری و مبادلات، اطلاعات را در پیام‌ها، و دانش را از افراد یا گروه‌های آگاه و روندهای سازمانی به دست می‌آوریم (رجب‌پور صادقی، ۱۳۸۵: ۱۶۴-۱۷۰). در همین راستا در تعریف حقوق نیز آمده است که حقوق از نظر لغوی جمع حق است و آن، اختیارات، توانایی‌ها و قابلیت‌هایی است که به موجب قانون، شرع، عرف و قرارداد برای انسان‌ها لحاظ شده است و در اصطلاح؛ اصول، قواعد و مقرراتی است که روابط انسان‌ها را با هم در حقوق خصوصی و روابط فرمانروایان و فرمانبران را در حقوق عمومی و اساسی تنظیم می‌کند. حقوق، نظامی است اجتماعی، یعنی هدف آن، تنظیم روابط اجتماعی است، نه پاکی روح و وجدان انسان. ایرلیک^۱ معتقد است حقوق، فقط «وسیله‌ای» برای تأمین احتیاجات جامعه است و هدف آن نیز باید گسترش و حفظ منافع جامعه باشد (صانعی، ۱۳۸۱: ۵۶-۴۱). در نتیجه، دانش حقوقی، فرصتی برای تکامل انسان مدنی، از طریق رشد توانایی‌های وی، برای مشارکت کامل در ارزیابی و تنظیم مجدد چهارچوب‌های مدنی و فرهنگی است. حقوق، جایگاه اجتماعی و نقش‌های مختلف را در قانون و در عمل از طریق نهادها، سازمان‌ها و تعامل‌های اجتماعی تعریف می‌کند. به عبارت دیگر، دانش حقوقی عبارت است از داشتن فهم حقوقی برای بکارگیری اصول و معیارهای حقوقی در زندگی، در جهت تحلیل مسائل، و توان ترکیب دانش حقوقی و سایر دانش‌ها، برای به دست آوردن توانایی و ظرفیت

1- Irluke

ارزشیابی قواعد، اصول و رویه‌های حقوقی، در سطوح مختلف بین‌المللی، ملی و محلی، برای بهبود و اصلاح قوانین و حقوق (رجب‌پور صادقی، ۱۳۸۵: ۱۶۹).

از سوی دیگر، توسعه پایدار یک مفهوم کلی است، که در برگیرنده روابط میان اهداف اجتماعی، اکولوژیکی و اقتصادی است. این مفهوم، مستلزم پایداری یکپارچه کل سیستم است. به عبارتی دیگر، توسعه پایدار شامل حفاظت و نیز تغییرات موجود در چشم‌اندازهای اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی است (Hediger, 2000: 481). مبحث توسعه و عوامل ساختاری و کارکردی آن را باید از زمینه‌های گسترده دوران پس از جنگ دوم جهانی به حساب آورد که در محافل علمی و سیاسی از اقبال بسیار خوبی برخوردار شد. اکثر صاحب‌نظران و متخصصان، توسعه را گذار از وضعیتی به وضعیت دیگر یا تغییر و تحول و پیشرفت در ماهیت، کارکرد و ساختار یاد می‌کنند (افتخاری، توکلی، ۱۳۸۲: ۶۵). از سوی دیگر، رفاه اجتماعی، سیستمی جامع از خدمات اجتماعی، امکانات، برنامه‌ها و امنیت اجتماعی است که به منظور گسترش توسعه اجتماعی، عدالت اجتماعی و نقش اجتماعی مردم به کار می‌رود و بدین ترتیب، باعث توسعه پایدار وضعیت بهزیستی خانواده‌ها و کل جامعه می‌گردد (نوری، ۱۳۸۰: ۷۱). به عبارتی دیگر، مفهوم رفاه اجتماعی، با توجه به انتزاعی بودن آن، از جمله مفاهیم بنیادی بین‌رشته‌ای است که تنوعی از گزاره‌های تعریفی دارد (افتخاری، توکلی، ۱۳۸۲: ۶۲). اصطلاح رفاه اجتماعی از کلمه قدیمی farewell گرفته شده و به معنی «خوب بودن» یا «خوب شدن» است و در معنی وسیع‌تر، حالتی از مناسب بودن است. اما امروزه در مورد شرح فعالیت‌های اداری و یا برنامه‌های اجتماعی دولت‌ها برای فقرا، از این واژه استفاده می‌شود. رفاه اجتماعی در مفهوم عام، مجموعه سازمان‌ها، مقررات و تدابیری در جهت بهزیستی اعضاء جامعه است. در واقع سیستم منظم و شکل یافته خدمات اجتماعی است که برای کمک به افراد به وجود آمده است تا رضایت کامل و استاندارد زندگی را برای افراد جامعه تأمین کند. همچنین می‌توان رفاه اجتماعی را فرایندی مستمر، پویا و پایدار دانست که با ایجاد مجموعه شرایط و کیفیت‌ها در تواناسازی مردم، به بهبود مستمر زندگی آنها، بویژه فقرا و کیفیت زندگی‌شان کمک می‌کند (نوری، ۱۳۸۰: ۷۲). در تعریف دیگری از رفاه اجتماعی می‌توان گفت: رفاه اجتماعی مجموعه شرایط و کیفیت‌هایی

است که نیاز های فردی (جسمی و روانی) و اجتماعی آحاد جامعه را در حد قابل قبول تأمین می‌کند و همه مردم از زندگی در آن شرایط احساس امنیت زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارند (مدنی، ۱۳۷۹: ۱۳). برای بررسی شاخص‌های رفاه اجتماعی می‌توان از مدل‌های گوناگونی استفاده کرد که به نمونه‌هایی از آنها می‌پردازیم. شاخص‌های رفاه اجتماعی شامل سه بعد؛ شاخص‌های کمی رفاه اجتماعی، شاخص‌های کیفی رفاه اجتماعی و شاخص‌های منفی رفاه اجتماعی هستند. شاخص‌های کمی رفاه اجتماعی شامل، درآمد سرانه، اشتغال، سال‌های امید به زندگی، میزان باسوادی (شامل درصد افراد ۱۵ سال و بالاتری که قادر به خواندن و نوشتن هستند)، مرگ و میر کودکان (کودکان ۱ تا ۴ ساله)، توزیع درآمد (برحسب سهم کل فقیرترین یا غنی‌ترین گروه‌ها محاسبه می‌شود)، توسعه انسانی (شامل، طول عمر، دانش و سطح مطلوب زندگی)، مشارکت اجتماعی (نسبت افراد فعال در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی به کل افرادی که در سن فعالیت قرار دارند)، فعالیت زنان (آیا زنان می‌توانند فعالانه در زندگی اقتصادی و سیاسی شرکت کنند یا نه؟)، شاخص‌های کیفی رفاه اجتماعی شامل، آزادی انتخاب، عزت‌نفس اجتماعی، امنیت اجتماعی، و شاخص‌های منفی رفاه اجتماعی نیز شامل تورم، فقر، سوء تغذیه، عدم اطمینان، تبعیض جنسیتی، معلولیت جسمی و ذهنی، و آلودگی محیط زیست هستند (مدنی، ۱۳۷۹: ۱۶). در بیان دیگری از شاخص‌های رفاه اجتماعی، پیتز هاگت برای رفاه اجتماعی ۹ شاخص رضایت فردی، برابری نژادی، فرایند دموکراسی، تعلیم و ترتیب، رشد اقتصادی، تغییر تکنولوژی، کشاورزی، وضعیت زندگی، تندرستی و رفاه را برمی‌شمارد که ارتباط تنگاتنگی با توسعه پایدار می‌یابد (نوری، ۱۳۸۰: ۷۷). با توسعه اقتصادی و اجتماعی، استانداردهای زندگی بهبود می‌یابد، و به تدریج آگاهی جوامع انسانی - بخصوص جامعه روستایی - در زمینه حفاظت از محیط، و ساختار و الگوهای مصرف، بهتر و پایدارتر می‌شود. به عبارتی دیگر، با اجرای برنامه‌های توسعه، الگوهای مصرف خانوارهای روستایی به‌طور چشم‌گیری تغییر خواهد کرد، و ممکن است تغییرات اساسی در نظام انرژی روستایی در ارتباط با محیط طبیعی اتفاق بیفتد. بنابراین، به تحقیقات بیشتری برای شناسایی بسترهای محیطی و شرایط زیستی در نواحی روستایی همچون الگوی مصرف انرژی و تضادهای آن

با توسعه پایدار نیاز است (Zhou, Wu, Chen, Chen, 2008: 228). این مطالعات در بسیاری از کشورها از جمله کشور چین، به اجرا درآمده و نتایج بسیار مطلوبی به دست آورده است. بنابراین می‌توان چنین بیان کرد که، هدف نهایی تمامی فرآیندهای توسعه، رفاه انسان است. بر این اساس، بایستی توسعه در چارچوب سیاست‌های اجتماعی به‌طور جامع حرکت نموده، تا دلایل فقر و توسعه نیافتگی بطور مستقیم مورد بررسی قرار گیرد (عینالی، ۱۳۸۰: ۳۹). در یک ارزیابی به عمل آمده نشان داده شد، هنگامی که از مردم خواسته شد از بین تقسیمات امید به زندگی، یعنی؛ شرایط اجتماعی- اقتصادی مناسب و یا شرایط اجتماعی- اقتصادی نامناسب و پایین یکی را انتخاب کنند، بیشتر پاسخ‌دهندگان یک توزیع برابر پیش از توزیع نابرابر، اما با امید زندگی بیشتر یعنی؛ داشتن یک زندگی اجتماعی- اقتصادی متوسط، به همراه پایداری نسبی را ترجیح دادند (Dutta, 2007: 419). بدین منظور بر طبق همین خواسته‌ها و نیازهای انسانی، سیاست‌گذاری، سازماندهی و سازمان‌های ملی و محلی بایستی انجام شود. مقوله رفاه اجتماعی از یکسو در فرایند توسعه (تمامی جنبه‌های توسعه) موضوعیت می‌یابد و از سوی دیگر، خود به عنوان زمینه‌ساز و بستری برای توسعه همه‌جانبه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی عمل می‌کند. به‌طوری که ولادیمیر داخین^۱، محقق روسی درباره ارتباط رفاه اجتماعی و توسعه معتقد است رفاه اجتماعی، اساس تمامی پارامترهای توسعه است و کیفیت آن می‌تواند تنوع و تفاوت‌های توسعه را توجیه کند (عینالی، ۱۳۸۰: ۳۸). در زمینه ارتباط توسعه با جامعه روستایی می‌توان گفت؛ توسعه روستایی فرایند افزایش انتخاب مردم، گسترش مشارکت دموکراتیک، تواناسازی مردم برای تصمیم‌گیری در شکل‌دهی فضای زیست خویش، افزایش رفاه و خوشبختی، گسترش فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه، تواناسازی همه مردم بویژه زنان، فقرا، کشاورزان خرده‌پا برای ساماندهی فضای زیست خود و تواناسازی برای انجام کار گروهی است (فاضل‌نیا، ۱۳۸۳: ۶). به‌طور کلی می‌توان گفت در بستر تفکرات مرتبط با توسعه، رفاه اجتماعی به عنوان عصاره آن تلقی می‌شود (افتخاری، توکلی، ۱۳۸۲: ۶۶). توسعه روستایی با تأکید بر پارادایم توسعه پایدار، درصدد است تا به طور همزمان به موضوعاتی مانند محیط زیست،

زندگی، رفاه و بهزیستی انسان روستایی در تعامل با انسان، انسان با مصنوعاتش و انسان با محیطش توجه کند و پاسخ مناسبی به فعالیت‌های اقتصادی و پیوند آن با رفاه اجتماعی ارائه دهد (عینالی، ۱۳۸۰: ۶۲). در این رابطه ارتباط رفاه اجتماعی با دانش حقوقی در منابع علمی داخلی کمتر مورد توجه قرار گرفته شده است. در رابطه با مطالعات مربوط به دانش حقوقی و رفاه اجتماعی، در سطح جهان توجهات زیادی شده و اهمیت این موضوع را به درستی درک کرده‌اند. برای نمونه در کشور هند اقدامات مختلف قانونی برای اطمینان از رعایت حقوق برابر، جلوگیری از تبعیض اجتماعی و نقض حقوق بشر در نظر گرفته است. چرا که آنها تنها راه نجات مردم را، تلاش صادقانه به همراه آموزش و بلوغ فکری جامعه می‌دانند که این امر مستلزم ایجاد آگاهی در مورد مفاد قوانین و حقوق افراد جامعه شهری و روستایی است. در این میان، یکی از راه‌های توانمندسازی روستاییان و از جمله زنان روستایی ارائه آموزش به منظور بهبود دانش، مهارت و نگرش آنان است. از این‌رو مطالعه در توانمندسازی حقوقی زنان روستایی در مفاد قانونگذاری در نظر گرفته شده است (Upadhyay, Dhupper, Maheshwari, 2003: 1).

مواد و روش‌ها

در این تحقیق، به بررسی تأثیر دانش حقوقی در رفاه اجتماعی روستاییان پرداخته شده و برای تهیه داده‌های آماری مورد نیاز نیز از پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه، شامل خانوارهای ۲۳ روستا در دهستان میان کوه غربی با تعداد کل ۳۶۵۲ نفر بوده و پرسشنامه‌ها نیز در سطح فردی (سرپرست خانوار) تکمیل شده‌اند. بر این اساس سطح تحلیل، روستا، و واحد تحلیل، فرد (سرپرست خانوار روستایی) در نظر گرفته شده است. بر اساس فرمول کوکران تعداد ۲۳۰ پرسشنامه شامل ۵۴ گویه در سطح خانوارهای نمونه تکمیل شده است. متغیر مستقل شامل دانش حقوقی و متغیر وابسته نیز رفاه اجتماعی است. در این راستا طبقات دانش حقوقی به حقوق عرفی (۶ گویه)، حقوق شهروندی (۸ گویه) و حقوق فردی (۷ گویه) تقسیم شده‌اند. رفاه اجتماعی نیز به ابعادی چون سلامت (۷ گویه)، کیفیت مسکن (۸ گویه)، رضایت از مسکن (۸ گویه)، خدمات (۵ گویه) و مشارکت (۶ گویه) طبقه‌بندی شده‌اند. به منظور عملیاتی نمودن هر یک از ابعاد دانش حقوقی و رفاه اجتماعی

گویه‌های جداول (۱) و (۲) در قالب طیف چندگزینه‌ای تنظیم و در قالب پرسشنامه تکمیل شده‌اند.

جدول (۱) گویه‌های تبیین‌کننده ابعاد دانش حقوقی

گویه‌های حقوق عرفی	
۱	طریقه اندازه‌گیری مساحت اراضی زراعی
۲	معیارهای تقسیم آب زراعی
۳	نحوه تعیین حدود مراتع روستا
۴	واحد اندازه‌گیری مساحت در روستا
۵	واحد اندازه‌گیری طول در روستا
۶	افراد، سازمان یا نهادهایی مسئول در مواقع بروز اختلافات در روستا
گویه‌های حقوقی شهروندی	
۷	سطح اطلاع درباره نوع وظایف سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با امور روستا
۸	سطح اطلاع و آگاهی از فرایندهای اداری سازمان‌های مرتبط با امور روستا
۹	توانایی در نوشتن نامه‌های اداری
۱۰	سطح اطلاع درباره سازمان‌های مرتبط با امور روستا
۱۱	نهادهای تأمین‌کننده اعتبارات مالی در مواقع بلایای طبیعی
۱۲	آگاهی از وظایف ادارات مختلف برای کارهای روستا
۱۳	آگاهی و اطلاع از روند کاری ادارات مرتبط با امور روستا
۱۴	نقش اصلی زنان روستایی
گویه‌های حقوقی فردی	
۱۵	تفاوت نگرش خانواده‌ها نسبت به فرزندان دختر و پسر برای ادامه تحصیل
۱۶	تفاوت علاقمندی خانواده‌ها نسبت به فرزندان دختر و پسر
۱۷	تفاوت تأثیرات فرزندان پسر نسبت به فرزندان دختر در انجام امور خانواده
۱۸	مهم‌ترین وظیفه مادر، در خانواده روستایی
۱۹	مهم‌ترین وظیفه پدر، در خانواده روستایی
۲۰	نقش زن روستایی در تأمین معاش و درآمد خانواده روستایی
۲۱	نقش زن روستایی، در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی

جدول (۲) گویه‌های تبیین‌کننده رفاه اجتماعی

گویه‌های سلامت	
۲۲	سیستم آب آشامیدنی لوله کشی
۲۳	شکل صحیح و بهداشتی دفع زباله
۲۴	بیماری‌های مسری روستا
۲۵	فاصله مناسب محل نگهداری احشام و محیط زندگی روستاییان
۲۶	وجود بیماری‌های خاص (بیماری‌های قلبی، ریوی، اختلالات عصبی و...) در خانواده‌های روستایی
۲۷	اولویت سلامتی خود و خانواده نسبت به سایر اولویت‌ها
۲۸	خانواد های تحت پوشش نهادهای دولتی
کیفیت مسکن	
۲۹	نوع واحد مسکونی
۳۰	نقشه مهندسی واحدهای مسکونی
۳۱	قدمت واحدهای مسکونی
۳۲	مصالح به کار رفته در واحدهای مسکونی
۳۳	مساحت واحدهای مسکونی
۳۴	زیربنای واحدهای مسکونی
۳۵	تعداد اتاق‌های واحدهای مسکونی
۳۶	سیستم بهداشتی و نظافتی واحدهای مسکونی
رضایت از مسکن	
۳۷	میزان رضایت خاطر از ایمنی بنا
۳۸	میزان رضایت خاطر از عایق حرارتی و صوتی بنا
۳۹	میزان رضایت خاطر از وسعت و حجم بنا
۴۰	میزان رضایت خاطر از مصالح به کار رفته در بنا
۴۱	میزان رضایت خاطر از وضعیت نورگیری بنا
۴۲	تجهیزات رفاهی واحدهای مسکونی
۴۳	امکانات رفاهی واحدهای مسکونی
گویه‌های رضایت از خدمات	
۴۴	سطح رضایت از خدمات حمل و نقل
۴۵	سطح رضایت از خدمات بهداشتی و درمانی

۴۶	سطح رضایت از خدمات آموزشی
۴۷	سطح رضایت از خدمات ادارات مرتبط با روستا
۴۸	سطح رضایت از نحوه برخورد مسئولان ذی‌ربط با مردم روستا
گویه‌های مشارکت	
۴۹	شرکت در مراسم مذهبی
۵۰	شرکت در کارهای گروهی مانند کارهای کشاورزی
۵۱	مشارکت در حل اختلافات و نزاع‌های بین مردم روستا
۵۲	مشارکت در حل اختلافات و نزاع‌های بین مردم سایر روستا
۵۳	حضور در جلساتی که برای حل مشکلات روستاییان برگزار می‌شود
۵۴	همکاری با شورای روستایی

منطقه مورد مطالعه تحقیق؛ دهستان میان کوه غربی، واقع در بخش مرکزی شهرستان پلدختر - استان لرستان است (نقشه شماره ۱). دهستان مذکور، در طول جغرافیایی ۴۷/۷۳ تا ۴۸/۲۵ درجه شرقی و در عرض جغرافیایی ۳۳/۰۲ تا ۳۳/۲۱ درجه شمالی قرار دارد. از جهات شمال، شرق و غرب دهستان مورد مطالعه محدود به استان لرستان و از جهت جنوب، به استان خوزستان - شهرستان اندیمشک متصل است. این منطقه در میان رشته کوه‌های زاگرس قرار گرفته و دارای آب و هوای سرد و مرطوب در زمستان و نسبتاً گرم و خشک در تابستان است. توزیع و پراکندگی روستاها بسیار زیاد بوده و از یکدیگر فاصله دارند. ساکنان منطقه از قومیت همگن و از باورهای اعتقادی و مذهبی یکسانی برخوردارند. مردم منطقه، زمین‌های زراعی محدودی برای کشاورزی دارند و اغلب ساکنان آن به دامپروری و گله‌داری اشتغال دارند. زراعت منطقه بیشتر به صورت دیم بوده، اما برخی از اراضی نیز که به چاه‌ها و قنات‌ها دسترسی دارند، به صورت آبی و تقریباً مدرن کشت می‌شوند. در مجموع ۶۴ روستا در دهستان مستقر گردیده که بیشتر آنان در قسمت غربی دهستان قرار گرفته‌اند. این دهستان در مجموع دارای ۳۶۵۲ نفر جمعیت روستایی است.



نقشه (۱) نقشه تقسیمات سیاسی شهرستان بلدختر

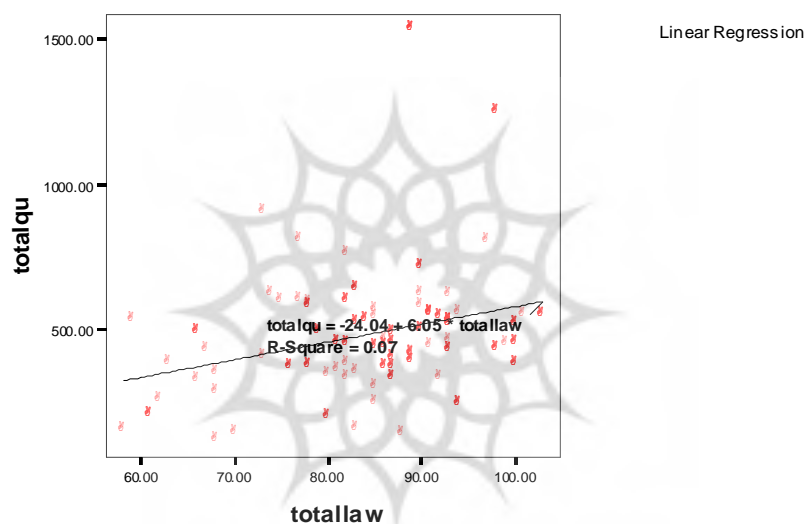
یافته‌های تحقیق

جهت پاسخگویی به سؤال محوری «آیا بین میزان دانش حقوقی و رفاه اجتماعی روستائیان رابطه معناداری وجود دارد؟» نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون تک‌متغیره مندرج در جدول (۳) مبین رابطه معنادار آماری میان دو متغیر در سطح آلفا ۰/۰۵ با ضریب همبستگی برابر ۰/۲۶۰ است. این بدان معناست که با افزایش ضریب دانش حقوقی، رفاه اجتماعی جامعه نمونه نیز افزایش یافته است.

جدول (۳) تبیین آماری رابطه بین دانش حقوقی و رفاه اجتماعی بر اساس رگرسیون ساده

ضریب همبستگی		ضریب تعیین		ضریب تعیین تعدیل شده	
۰/۲۶۰ (a)		۰/۶۸		۰/۶۳	
مولفه‌ها	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۶۷۱۷۴۴/۰۰۳	۱	۶۷۱۷۴۴/۰۰۳	۱۴/۳۹۳	۰/۱۰ (a)
باقیمانده	۹۲۴۱۲۳۸/۳۹۲	۱۹۸	۴۶۶۷۲/۹۲۱		
کل	۹۹۱۲۹۸۲/۳۹۵	۱۹۹			

سطح معناداری	t	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد نشده		مولفه‌ها
		Beta	Std. Error	B		
.۸۶۲	-.۱۷۴		۱۳۷.۹۴۲	-۳۴.۰۴۳		ضریب ثابت
.۰۰۰	۳.۷۹۴	.۲۶۰	۱.۵۹۶	۶.۰۵۵		دانش حقوقی



به منظور پاسخگویی به این سوال که سهم ابعاد دانش حقوقی در رفاه اجتماعی روستائیان منطقه مورد مطالعه تا چه میزان است؟ نتایج تحقیق بر اساس روش رگرسیون دو متغیره همانطور که جدول (۴) نشان می‌دهد، ضمن وجود رابطه خطی معنادار بین ابعاد دانش حقوقی به عنوان متغیر مستقل و رفاه اجتماعی به عنوان متغیر وابسته با ضریب همبستگی معادل ۰/۴۹۶ تبیین‌کننده این واقعیت است که با توجه به میزان ضریب بتا به ترتیب حقوق فردی و شهروندی سهم بیشتری بر رفاه اجتماعی جامعه نمونه داشته و در سطح آلفا ۰/۰۵ معنادار برآورد شده‌اند. در این راستا سهم دانش عرفی رابطه‌ای معکوس با سطح رفاه اجتماعی روستائیان را نشان می‌دهد.

جدول (۴) تبیین آماری رابطه بین ابعاد دانش حقوقی و رفاه اجتماعی بر اساس رگرسیون چند متغیره

ضریب همبستگی		ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
.۴۹۶(a)		.۲۴۶	.۲۳۴

مولفه‌ها	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۲۴۳۵۲۹۳۶۹۶	۳	۸۱۱۷۶۴۵۶۵	۲۱.۲۷۷	... (a)
باقیمانده	۷۴۷۷۶۸۸۶۹۹	۷۶	۳۸۱۵۱.۴۷۳		
کل	۹۹۱۲۹۸۲.۳۹۵	۱۹۹			

مولفه‌ها	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		سطح معناداری
	B	Std. Error	Beta	t	
ضریب ثابت	۲۵۱.۲۸۰	۱۳۵.۸۱۶		۱.۸۵۰	.۰۶۶
حقوق عرفی	-۱۰.۱۸۸	۲.۸۲۱	-.۲۲۵	-۳.۶۱۱	...
حقوق شهروندی	۱۱.۹۰۰	۲.۲۴۸	.۳۵۱	۵.۲۹۴	...
حقوق فردی	۷.۶۸۵	۳.۶۸۷	.۱۳۷	۲.۰۸۴	.۰۳۸

جهت تبیین آماری این سؤال که بیشترین سهم دانش حقوقی بر کدام یک از ابعاد رفاه اجتماعی بوده است؟ نتایج تحقیق بر اساس تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که بیشترین سهم دانش حقوقی بر کیفیت مسکن، میزان مشارکت و رضایت از مسکن متمرکز و در سایر ابعاد رابطه معناداری شناسایی نشده است.

جدول (۴) تبیین آماری رابطه بین دانش حقوقی و ابعاد رفاه اجتماعی بر اساس رگرسیون چندمتغیره

ضریب همبستگی		ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
.۲۴۵(a)		.۱۱۹	.۰۹۶

مولفه‌ها	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۲۱۸۰.۸۲۰	۵	۴۳۶.۱۶۴	۵.۲۴۲	... (a)
باقیمانده	۱۶۱۴۳.۱۸۰	۱۹۴	۸۳.۲۱۲		
کل	۱۸۳۲۴.۰۰۰	۱۹۹			

سطح معناداری	t	ضرایب استاندارد نشده		مولفه‌ها
		Beta	Std. Error	
۰.۰۰۰	۸.۰۳۳		۷.۱۴۵	ضریب ثابت
۰.۱۲۴	۱.۵۴۷	.۱۱۶	.۰۹۲	سلامت
۰.۰۰۰	۳.۵۴۴	.۳۵۲	.۰۰۳	کیفیت مسکن
۰.۰۵۰	۱.۷۸۵	.۱۲۲	.۰۴۷	رضایت از مسکن
۰.۷۲۱	۰.۲۵۸	.۰۲۷	.۲۳۸	کیفیت خدمات
۰.۰۲۶	۲.۲۴۹	.۱۵۳	.۲۱۷	سطح مشارکت

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های حاصل از مطالعات میدانی می‌توان گفت که در فرایند تحقیق این فرضیه به اثبات رسید که بین دانش حقوقی و رفاه اجتماعی روستاییان منطقه مورد مطالعه رابطه معنادار آماری وجود دارد. این تأثیرات در مورد مولفه‌های مختلف، متفاوتند. با توجه به سوال اول تحقیق که به وجود رابطه معنادار بین میزان دانش حقوقی و رفاه اجتماعی روستائیان اشاره دارد، مشاهده می‌شود که با رد فرضیه H_0 ، وجود چنین رابطه‌ای تایید می‌شود. یعنی میزان رفاه اجتماعی روستاییان دهستان مذکور به طرز روشنی متأثر از سطح دانش حقوقی آنهاست و به میزانی که سرپرست خانوار روستایی از دانش حقوقی بالاتری برخوردار بوده، میزان رفاه اجتماعی آن خانوار در حد بالاتری قرار گرفته است. در سوال دوم یعنی سهم ابعاد دانش حقوقی در رفاه اجتماعی روستائیان منطقه مورد مطالعه تا چه میزان است؟ مشخص شد که بین ابعاد حقوق فردی و حقوق شهروندی با رفاه اجتماعی روستائیان رابطه معناداری وجود دارد، که این امر می‌تواند به دلیل رواج تفکر فردگرایی در جامعه روستایی در وهله اول (حقوق فردی)، و در وهله دوم به خاطر تعاملات بسیار ضروری روستاییان با نهادهای اداری مستقر در مراکز شهری و روستایی است که لزوم بهره‌مندی بیشتر از بعد دانش حقوقی (حقوق شهروندی) را ضروری می‌سازد. ولی در رابطه با میزان تأثیر حقوق عرفی بر رفاه اجتماعی، وجود رابطه معنادار بین دو متغیر تأیید می‌شود، ولی جهت این رابطه معکوس برآورد شده است. بدین صورت که با وجود بالا بودن سطح دانش حقوقی عرفی در بین روستاییان منطقه، سطح رفاه اجتماعی آنها در حد پایین قرار دارد که مهم‌ترین علت این

امر را می‌توان در آشنایی تجربی نسبتاً کامل افراد منطقه با حقوق عرفی خود و جامعه، علیرغم نداشتن حداقل‌های امکانات زندگی در محیط روستایی دانست. به عبارتی، حقوق عرفی روستاییان بر اساس تجربه زندگی در روستا و تعاملات موجود میان آنها شکل می‌گیرد و هر فرد روستایی جدای از وضعیت معیشت خود، آگاه به این حقوق و وظایف است. عامل دیگر بروز چنین نتیجه‌ای را می‌توان در تغییر دانش روز در اداره امور روستاییان دانست که با بهره‌گیری از علوم روز در معاملات و ارتباطات و نهادهای مرتبط با امور روستا، کاربرد حقوق عرفی در این زمینه‌ها بسیار محدود شده است. در رابطه با سوال سوم تحقیق که بیان می‌دارد؛ بیشترین سهم تأثیر دانش حقوقی بر کدام‌یک از ابعاد رفاه اجتماعی بوده است؟ ثابت شد که در وهله اول کیفیت مسکن، رضایت از مسکن و سطح مشارکت دارای بیشترین تأثیرپذیری از عامل دانش حقوقی هستند. از مهم‌ترین دلایل حصول به چنین نتیجه‌ای می‌توان گفت؛ عموماً در منطقه مورد مطالعه، روستاییان نسبت به مسکن خود دارای حساسیت خاصی بوده و وضعیت مسکن خود را عامل موثری در اعتبار و جایگاه اجتماعی خود می‌دانند. از سوی دیگر، در منطقه مذکور، اکثر مکان‌های روستایی مربوط به افرادی است که با یکدیگر دارای پیوندهای خویشاوندی بوده و این عامل در سطح مشارکت آنها تأثیر بسیار زیادی دارد، به گونه‌ای که هر یک از خانوارها، مشکلات سایر ساکنان روستا را مشکل برادر خود می‌دانند و در حل آن نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرند. در مقابل، بین دانش حقوقی و ابعاد سلامت و کیفیت خدمات رفاه اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. یعنی با برخورداری از سطح بالایی از دانش حقوقی، میزان سلامت روستاییان افزایش پیدا نکرده است. این رابطه می‌تواند به خاطر کم‌اهمیت بودن بحث سلامت در خانواده روستایی علیرغم اهمیت آن در زندگی انسانی باشد. بدین گونه که حجم زیادی از مسائل و مشکلات در جامعه روستایی در برابر سرپرست خانوار روستایی قرار دارد که توان و زمان پرداختن به این مسأله را ندارد. سرپرست خانوار فقیر روستایی، بزرگ‌ترین موفقیت خود را در اداره خانواده با تأمین حداقل‌های زندگی می‌داند. در حالی این حداقل‌ها در ارزیابی‌های علمی جایگاه خاصی ندارند.

منابع

- ۱- صانعی، پرویز (۱۳۸۱)، «حقوق و اجتماع: رابطه حقوق و عوامل اجتماعی و روانی»، نشر: طرح نو، ص ۸۴.
- ۲- عثنی عشری، ابوالقاسم، حسین‌زاده، فاطمه (۱۳۸۶)، «مدیریت و عصر دانش»، نشر: نور علم، ص ۱۹-۱۰.
- ۳- آزاد، پیمان (۱۳۸۲)، «الفبای آگاهی»، نشر: بیدگل، ص ۳۸.
- ۴- مدنی، سعید، (۱۳۷۹)، «به سوی نظام جامع رفاه اجتماعی»، شورای برنامه‌ریزی سازمان بهزیستی کشور، ص ۱۳.
- ۵- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۷۹)، «جایگاه رفاه اجتماعی روستا در برنامه سوم توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، جایگاه روستا در فرایند رفاه اجتماعی، سازمان بهزیستی کشور، ص ۶-۱۹.
- ۶- رنایی، محسن (۱۳۸۰)، «مجلس و پژوهش»، نشریه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۰، سال ۸، تابستان، ص ۱.
- ۷- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و سیدعلی بدری (۱۳۸۲)، «ارزیابی پایداری: مفهوم و روش»، ماهنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره پیاپی ۶۹، نسخه ۲، صص ۹-۳۴.
- ۸- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و مرتضی توکلی (۱۳۸۲)، «رفاه اجتماعی روستایی، رویکردی شناختی در تبیین معرف‌ها»، مجله مدرس، دوره ۷، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۲، ص ۶۲.
- ۹- رجب‌پور صادقی، اکرم (۱۳۸۵)، «سنجش دانش حقوقی زنان کارمند تهرانی و تأثیر آن در مشارکت ایشان»، دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، ص ۱۷۰.
- ۱۰- نوری، مرضیه (۱۳۸۰)، «ارزیابی عملکرد مجتمع‌های خدمات بهزیستی روستایی در رفاه اجتماعی روستایی، مطالعه موردی: روستاهای کورده، امام تفی و دهشک شهرستان مشهد»، دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، ص

- ۱۱- فاضل‌نیا، قریب (۱۳۸۳)، «تحلیل عوامل موثر بر شناخت و آگاهی روستاییان از بخش تعاون و ارائه الگوی راهبردی، با تأکید بر عوامل محیطی، مطالعه موردی: استان سمنان»، دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، ص ۱۳۹.
- ۱۲- عینالی، جمشید، (۱۳۸۰)، «ازریایی نقش مجتمع‌های خدمات بهزیستی روستایی در توسعه روستایی (رفاه اجتماعی)، مطالعه موردی: روستاهای سجاس، کرسف و گرماب- شهرستان خداآینده»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، صص ۷۱-۷۷.
- 13- Midmore, Whittaker (2000), "Economics for Sustainable Rural Systems", *Ecological Economics*, 35, 173-189, 173.
- 14- Shortall, Sally (2008), "Are Rural Development Programmes Socially inclusive? Social Inclusion, Civic Engagement, Participation, and Social Capital: Exploring the Differences", *Journal of Rural Studies*, 24 (2008), 450-457.
- 15- Irina Ra^mniceanu and Robert Ackrill (2007) "EU Rural Development Policy in the New Member States: Promoting Multifunctionality?", *Journal of Rural Studies*, 23, 416-429.
- 16- Holbrook, J. Adam and David A. (2001), "Wolfe Knowledge Clusters and Regional Innovation: Economic Development in Canada, Ontario", 1990-2000, 70
- 17- Nico Heerink, Xiaobin BAOb, Rui LI Kaiyu LU, Shuyi FENG (2009), "Soil and Water Conservation Investments and Rural Development in China", *China Economic Review*, 20, 288-302.
- 18- M. Geepu Nah Tiepoh, Bill Reimer (2004), "Social, Capital, Information Flows, Andincome Creation in Rural Canada: A Cross-community Analysis", *Journal of Socio-Economics*, 33, 427-448.
- 20- Upadhyay R., Dhupper R. and Maheshwari S. (2003), "Legal Empowerment of Rural Women through Information Building Programe, Global Communication", Research Association Centre for International Communication, Macquarie University, Sydney, Australia, 07-09 January 1.

- 21- Indranil Dutta (2007), "Comment, Health Inequality and Non-Monotonicity of the Health Related Social Welfare Function", *Journal of Health Economics*, Finland, 26, 414-421.
- 22- Werner Hediger (2000), "Analysis of Sustainable Development and Social Welfare, Switzerland", *Ecological Economics*, 32, 481-492.
- 23- Zhongren Zhou, Wenliang Wu, Qun Chen, Shufeng Chen (2008), "On Sustainable Development of Rural Household Energy in Northern China", *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 12, 2227-2239.

